



**دو داستان از کرامات امام جواد (ع)**  
**۱. اجابت دعای امام (ع):**

داوود بن قاسم می‌گوید: «روزی با حضرت جواد به باغی رفتیم. به او گفتم: «فدایت شوم! من به خوردن گل حریص هستم. دعایی درباره من بفرمایید!» (که این عادت از من دور شود) حضرت پاسخی نداد و پس از چند روز بدون مقدمه فرمود: «ای ابا هاشم! خداوند خوردن گل را از تو دور ساخت.» ابو هاشم گوید: «از آن روز به بعد چیزی در نزد من بدتر و مبعوض‌تر از گل نبود.» [۱۲]

**ب. بارور شدن درخت:**

در سفر بازگشت امام جواد(ع) از بغداد به مدینه، گروهی از مردم برای خداحافظی، امام را تا خارج شهر بدرقه کردند، هنگام نماز مغرب به محلی که مسجد قدیمی داشت رسیدند، امام به آن مسجد رفت تا نماز بخواند، در حیاط مسجد درخت سدری بود که تا آن زمان میوه نداده بود. آن حضرت آبی خواست و در کنار آن درخت وضو گرفت و نماز را به جماعت اقامه کرد و پس از نماز سجده شکر بجا آورد. آنگاه با مردم خداحافظی کرد و رفت. فردای آن شب درخت به بار نشست و میوه خوبی داد مردم از این موضوع بسیار تعجب کردند.

از مرحوم شیخ مفید نقل کرده‌اند که سالها بعد خود این درخت را دیده و از میوه آن خورده است. [۱۳]

**سخنان بزرگان اهل سنت درباره امام جواد (ع):**  
گفتگوها و مناظرات علمی امام جواد در دوران حکومت مامون و معتصم که گره از مشکلات و مسایل علمی و فقهی می‌گشود باعث اعجاب و تحسین دانشمندان و پژوهشگران اسلامی اعم از شیعه و سنی شده است بطوریکه بسیاری از آنها شخصیت علمی امام را ممتاز دانسته و آنرا ستوده‌اند که در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

سبط ابن جوزی می‌گوید: او در علم و تقوا و زهد و بخشش بر روش پدرش بود. [۱۴]  
ابن حجر هیثمی می‌نویسد: مامون او را به دامادی انتخاب کرد زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم، بر همه دانشمندان برتری داشت. [۱۵]  
قتال نیشابوری بیان می‌کند که: مأمون شیفته او(امام جواد) شد زیرا می‌دید که او با وجود کمی سن، از نظر علم و حکمت و ادب و کمال عقلی به چنان رتبه والایی رسیده که هیچ یک از بزرگان علمی آن روزگار بدان پایه نرسیده‌اند. [۱۶]

**شهادت امام جواد (ع)**

معتصم عباسی که از رشک بیش از حد و کم علاقه شدن ام فضل دختر مامون به امام جواد علیه السلام آگاه بود، با همکاری جعفر پسر مامون و برادر ام فضل و از راه حيله و نیرنگ زمینه ای فراهم ساخت که ام فضل را تحریک و به قتل امام جواد وادار نماید. معتصم یا جعفر سمی را در انگور رازقی تزریق کردند [۱۷] و برای ام فضل فرستادند

ام فضل با سنگدلی انگورها را در کاسه ای گذاشت و جلو همسر جوانش حضرت جواد علیه السلام نهاد امام از آن انگور میل فرمودند و طولی نکشید که آن عزیز آثار زهر را احساس فرمودند و کم کم درد شدید برایشان عارض گردید به سختی ایشان را رنجور ساخت در آن حال آن زن نابکار پشیمان شده و گریه می کرد حضرت جواد علیه السلام فرمودند: اکنون که مرا کشتی - این گریه ات دیگر برای چیست؟ به خدا سوگند به چنان فقر و تنگدستی گرفتار می شوی که قابل جبران نباشد و به دردی مبتلا می شوی که درمان ندارد و به بلائی گرفتار می شوی که پوشیده نماند.

**مرقد مطهر امام جواد علیه السلام:**

امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ هـ ق توسط معتصم خلیفه عباسی در سن ۲۵ سالگی در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش امام کاظم (ع) در کاظمین دفن گردید. و مرقد مطهرش تا ابد زیارتگاه اهل ولا شد.

**پی نوشت:**

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، صص ۲۳ و ۲۳۵.
۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۳۱۵ و ۴۹۲.
۳. مریم آیه ۱۲.
۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۲.
۵. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۶.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۰.
۷. طبری، این ازدواج را در سال ۲۰۲ ق می‌داند. طبری، ج ۷، ص ۱۴۹.
۸. ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۰.
۹. قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۳۵.
۱۰. طبرسی، احتجاج، صص ۴۴۳ و ۴۴۴، المسعودی.
۱۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸.
۱۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۵۸۶.
۱۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۹۰.
۱۴. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۵۹.
۱۵. هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۶.
۱۶. قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۳۷.
۱۷. سوکنامه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ص ۱۳۲

**منابع:**

سایت دانشنامه اسلامی و سایت ویکی شیعه و سایت حوزه



امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ هـ.ق توسط معتصم خلیفه عباسی در سن ۲۵ سالگی در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش امام کاظم (ع) در کاظمین دفن گردید.

### ولادت:

امام جواد (ع) در روز دهم رجب سال ۱۹۵ هـ.ق. یعنی در اواخر عمر امام رضا علیه السلام به دنیا آمد. گفته‌اند که قبل از تولد ایشان و با توجه به اینکه امام رضا فرزندی نداشت برخی از مخالفان شبهه افکندند که امام رضا نسلی از خود باقی نمی‌گذارد و سلسله امامت قطع می‌شود. به نقل منابع روایی، وقتی امام جواد به دنیا آمد و وی را نزد پدرش آوردند، امام رضا فرمود: «این مولودی است که برای شیعیان ما، با برکت‌تر از او زاده نشده است.» [۱]

### مادر امام جواد (ع):

مادرش سبیکه نام داشت که از خاندان ماریه قبطیه، همسر پیامبر اسلام (ص) به شمار می‌رود. در برخی از منابع نام مادر ایشان خیزران و ریحانه نیز آمده است. [۲]

### امامت در کودکی:

امام جواد علیه السلام در کودکی یعنی زمانی که هشت سال بیشتر نداشتند به امامت رسیدند و به همین خاطر شماری از شیعیان امامت وی را نپذیرفتند و به کسانی دیگر روی آوردند. گروهی دیگر نیز تا روشن شدن مسأله امامت در سن کودکی سرگردان بودند، ولی سرانجام با گذشت زمان به امامت آن حضرت گرویدند.

### آیا کودک هم می‌تواند امام شود؟

این مسأله یکی از شبهاتی بود که هم در زمان امام رضا و هم در زمان حیات امام جواد از سوی برخی مطرح شد و این دو امام پاسخ‌های قرآنی بیان کردند. یکی از این پاسخ‌ها اشاره به پیامبری حضرت یحیی است که درباره آن قرآن می‌گوید: "ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم." [۳]

پاسخ دیگر، سخن گفتن حضرت عیسی در نخستین روزهای تولد بود، [۴]

امام رضا علیه السلام: «این ابوجعفر است که به جای خود نشانده و مقام خود را بدو واگذار کرده ام. ما خاندانی هستیم که خردسالان ما همانند بزرگسالان ما

ارث می‌برند.» [۵]

### مدت امامت:

امامت امام جواد(ع)، ۱۷ سال یعنی از ۲۰۳ [سال شهادت امام رضا(ع)] تا ۲۲۰ بود.

دوره امامت امام جواد (ع) با دو خلیفه عباسی معاصر بوده است: نخست مأمون (۱۹۳ تا ۲۱۸) که امام ۲۳ سال از عمر خویش را در زمان خلافت وی گذراند. دوم، معتصم عباسی (۲۱۸ تا ۲۲۷ هـ.ق.) که ۲ سال حکومت وی مصادف با دوره امامت امام جواد(ع) بود. آن حضرت دو بار به درخواست این دو خلیفه به بغداد رفت. سفر اول در زمان مأمون چندان طولانی نبود. امام در سفر دوم که مدتی بیشتر در بغداد ماند، به شهادت رسید. [۶]

### ازدواج امام با دختر مأمون:

امام جواد در سال ۲۱۵ هـ.ق. (یا ۲۱۴) با دختر مأمون عباسی به نام ام فضل ازدواج کرد. [۷] این ازدواج بنا بر تقاضای مأمون صورت گرفت که امام(ع) با تعیین مهریه ای معادل مهریه حضرت زهرا (س) یعنی پانصد درهم موافقت خود را با این ازدواج اعلام کرد.

اما امام از این همسر خود صاحب فرزندی نشد [۸] و تمامی فرزندان وی از همسر دیگرش بنام سمانه مغربیه، زاده شدند. [۹]

### مقام علمی امام جواد (ع)

#### ۱. مناظره در مجلس مأمون:

از مناظرات مهم امام که در زمان مأمون عباسی در بغداد صورت گرفت با فقیه دربار یعنی یحیی بن اکثم بود. علت وقوع این مناظره، پیشنهاد ازدواج امام با ام فضل از سوی مأمون بود. پس از اینکه سران عباسی از قضیه مطلع شدند به پیشنهاد مأمون اعتراض کردند. مأمون برای اثبات درستی تصمیم خویش، به آنان پیشنهاد نمود تا امام جواد(ع) را ببازمایند. آنان پذیرفتند و برای آزمودن آن حضرت، جلسه مناظره‌ای ترتیب دادند.

یحیی در مناظره، نخست مسئله‌ای فقهی درباره شخص مُحرمی که حیوانی را شکار کرده مطرح ساخت. امام در پاسخ، با طرح وجوه گوناگون مسئله، از یحیی بن اکثم خواست تا بگوید منظور وی کدام وجه است.

یحیی بن اکثم در جواب درماند و حاضران به حیرت افتادند. سپس خود امام، مسئله را با توجه به وجوه آن پاسخ گفت. درباریان و علمای عباسی پس از شنیدن جواب کامل امام، بر تبخیر ایشان در فقه اعتراف کردند. گفته‌اند که مأمون پس از مشاهده ماجرا گفت: خدای را بر این نعمت سپاسگزارم که آنچه من اندیشیده بودم، همان شد. [۱۰]

#### ب. مناظره درباره خلفا:

امام جواد در مجلسی با حضور مأمون و بسیاری از فقها و درباریان، با یحیی بن اکثم درباره فضایل خلفا (ابوبکر و عمر) مناظره کرد. یحیی خطاب به امام گفت: "مَثَلُ ابی بکر و عمر فی الارض کمثل جبرئیل و میکائیل فی السماء" مَثَلُ ابی بکر و عمر در زمین همانند جبرئیل و میکائیل در آسمان است،

امام در جواب فرمود: محتوای این روایت درست نیست زیرا جبرئیل و میکائیل همواره بندگی خدا را نموده و لحظه‌ای مرتکب گناه نشده‌اند در حالی ابو بکر و عمر که پیش از آنکه اسلام بیاورند سالهای طولانی مشرک بوده‌اند. [۱۱]